



راز ماندگاری ایران

غلامرضا غوربانی
استاد تاریخ

ایرانیان در طول تاریخ پرفرازونشیب خود، همواره در بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز، روحیه‌ای خستگی‌ناپذیر و مقاوم از خود نشان داده‌اند. این خصیصه، ریشه در لایه‌های عمیقی از هویت جمعی، جغرافیا و تاریخی دارد که در نهایت ملتی را ساخته با توانایی منحصره‌فرد در «تبدیل بی‌قراری

به قرار». در شرایط کنونی که کشور با تهدیدات نظامی و چالش‌های وجودی مواجه است، بازخوانی این میراث کهن می‌تواند کلید درک همبستگی ملی و راهبردی برای عبور از بحران باشد. ایران امروز، وارث سیرزمینی است با پیشینه‌ای چند هزار ساله که در قلب راهبردی‌ترین معبر جهان واقع شده است. قرارگرفتن بر سر راه جاده ابریشم، این فلات را به چهارراه تمدن‌ها و مرکز ثقل اقتصادی دنیای باستان تبدیل کرده بود. این موقعیت منحصره‌فرد، ضمن رونق اقتصادی، ایران را به محل عبور و سکونت اقوام گوناگون از شرق و غرب عالم مبدل ساخت. همچنین، پهناوری و چهارفصل بودن این سرزمین، از یک سو به غنای منابع آن افزود و از سوی دیگر، آن را به هدفی دائمی برای هجوم اقوام مختلف تبدیل کرد. آمار تجربه ۱۲۰۰ جنگ در طول تاریخ، گواهی بر این مدعا است. تنوع زیست‌محیطی نیز ایران را در معرض بلایای طبیعی متعددی چون زلزله قرار داده است. حاصل جمع این عوامل، تصویری از ایران به‌عنوان یک «سرزمین بی‌قرار» است که همواره صحنه کوچ‌ها، جنگ‌ها و تحولات بنیادین بوده است.

اما نکته شگفت‌انگیز در تاریخ ایران، نه در انباشت این رنج‌ها، که در واکنش ایرانی به آنهاست. این گونه نبوده که ایرانی در برابر این بی‌قراری، زانوی تسلیم بر زمین بزند؛ بلکه او این تلاطم‌ها را در درون خود هضم کرده و از دل آنها به «قرار» و آرامش رسیده است. این همان معنای عمیق بیت «بی‌قراری در طلب قرار نوست» است که نشان می‌دهد آرامش در دل بی‌قراری جست‌وجو می‌شود. حال چه عاملی این توان تاب‌آوری را به ایرانی بخشیده است؟

۱. دستی در آسمان: نخستین و مهم‌ترین عامل، باور به «جهان‌مبوی» است. برای ایرانی، جهان محسوس و مادی، محدود به این دنیای پرنبح نبوده و نیست. او همواره جهانی بزرگ‌تر و بالاتر را در نظر داشته است که از آن به «پردیس» یا بهشت تعبیر می‌شود. این باور، چشم‌اندازی از آرمان‌شهر را پیش روی او می‌گذارد که تمدن سستی‌های دنیوی را آسان‌تر می‌کند. به بیان دیگر، ایرانی پایه در زمین دارد و برای آبادانی آن می‌کوشد، اما دستی در آسمان دارد و از آن مدد می‌جوید. این نعمت‌های آسمانی و امید به جهان دیگر، همواره منبغی پایا ناپذیر برای مقاومت در برابر ناامنیات بوده است.

۲. پای در زمین و طعم شیرین فردا: این تجربه چندلایه، شخصیتی چندبعدی برای ایرانی ساخته است. او درعین حال که سلحشور و مقاوم است، از روحیه «مساز» و نیزخوردار است. او مهاجمان و فرهنگ‌های گوناگون را در خود هضم کرده و به عنصری نو تبدیل ساخته است. افزون بر این، دو ویژگی برجسته دیگر در این منظومه نقشی کلیدی دارند: «ادخوایی و نظم‌سنجی» که او را در برابر بیادگرگی به پا می‌خیزاند و «بخشش و بخشندگی» که ریشه در کرامت انسانی او دارد. این عناصر در کنار هم، شخصیتی ساخته که با اتکا به تجربه نیاکانش می‌داند اگر صیوری کند و مقاومت نشان دهد، آسمان به یاری‌اش خواهد آمد و هم بر سستی‌ها چیره خواهد شد.

نتیجه این جهان‌بینی، ماندگاری ایرانی در خانه خود بوده است. برخلاف تصور رایج که از هجوم‌ها و بحران‌ها آوارگی را انتظار دارد، ایرانی با صبر و توکل و فریختگی، خانه خود را حفظ کرده و از پس ستم‌ها و جنگ‌ها، سرفراز بیرون آمده است. امروز نیز که بار دیگر پای تهدیدات نظامی به میان آمده، این تجربه تاریخی به‌یاری جامعه می‌آید.

وقتی ایرانی احساس کند که «خطر وجودی» سرزمین و فرهنگش را تهدید می‌کند، همان روح همبستگی و اتحاد دیرین در او زنده می‌شود.

گزارش

گروه‌سیاسی

ایران و مردمانش در فراز و نشیب‌های تاریخ چند هزار ساله آیدیده شده‌اند. تجاوز رژیم اسرائیل و آمریکا به سرزمین ایران، اولین تجربه مواجهه ایرانی‌ها با هجوم خارجی نیست. در طول تاریخ بوده‌اند کسان دیگری که سوسه شده‌اند این روزگاری را تجربه کنند. برخی، پایشان به جغرافیه‌ای این مرز و بوم هم باز شده است و چند صباحی غارت کرده، کشته و سوزانده‌اند اما در تاریخ این مرز و بوم ماندگار نشده‌اند یا دست از پا دراز تر با

اساتید تاریخ و پژوهشگران سیاست به سؤال «ایران» پاسخ می‌دهند

پشتوانه ایستادگی ایرانیان در برابر تجاوز چیست؟

همیت و غیرت ایرانی‌ها بیرون رانده شده‌اند یا در طول دهه‌ها و سده‌ها مقهور تمدن و فرهنگ ایرانی شده و در دل این تمدن بزرگ هضم شده‌اند.

در مواجهه با تجاوزهای متعدد، هر بار ما این ایران بود که ققنوس وار از خاکستر جنگ و ویرانی سر برآورد و مسیر بالندگی را پیمود. در دوران معاصر هم کم حوادث مشابه تکرار نشده است. از جنگ‌های ایران و روس گرفته تا ورود متفقین به ایران بعد از جنگ جهانی و در نهایت حمله رژیم بعث صدام به ایران که دفاع چنانچه ۸ ساله را رقم زد. کمتر از چند ماه پیش هم اسرائیل و آمریکا ۱۲ روز جنگ به ایران را تحمیل کردند و حالا به خیال خود آمده‌اند که کار ناتمام جنگ ۱۲ روزه را تمام کنند. اما در شانزدهمین روز جنگ تمام عیار، نشانه‌ای از فرجام خوش برای تمام کردن آن کار ناتمام دیده نمی‌شود. ایرانی‌ها یک بار

دیگر در برابر تجاوز خارجی حول ارزش‌های مشترکشان و برای دفاع از وطن گرد هم آمده‌اند و دشمن متجاوز را در تحقق منویاتش ناگام گذاشته‌اند. در چند روز گذشته بسیار دیده‌ایم تحلیل‌ها و گزارش‌هایی از نویسندگان و سیاستمداران غربی که به ترامپ و نتانیاهو، از زبانی‌های اشتباهشان نسبت به ایران را یادآوری کرده‌اند. مشخصاً اینکه اینجا نه عراق است و نه ونزوئلا. مردم ایران به همراه مسئولان خود در نهاد‌های مختلف در برابر تجاوز ایستادگی کرده‌اند. این ایستادگی مستظهر به چه عناصر و مؤلفه‌هایی است؟ ریشه در تاریخ و تمدن کهن این دیار دارد؟ برگرفته از حس وطن دوستی و غرور ملی است؟ به‌آموزه‌های اسلامی و شیعی مردم ایران ارتباط دارد؟ همین موضوع را با چند استاد دانشگاه و پژوهشگر تاریخ و سیاست در میان گذاشته‌ایم و پاسخ‌های آنها را آورده‌ایم.



تیم

روایت پایداری یک تمدن

محمدحسین حسینی
استاد علوم سیاسی

اگر بخواهیم برای ایران امروز یک نماد انتخاب کنیم، بی شک می‌توانیم به سرو اشاره کنیم؛ سروی که در کویر یا در دل کوه‌های البرکه ایستاده است. او در طول تاریخ ثابت کرده از عمرش می‌گذرد، ریشه در عمق خاک این سرزمین دارد. در منطقه‌ای که هم کویری است و هم طغ تلخ سرما و گرمای سوزان را به یک اندازه چشیده، سرو پابرجاست. این درخت که در مرکز ایران قد برافراشته، گویی روایتگر سرگذشت مردمانی است که در سخت‌ترین شرایط، زیستن و مقاومت را یاد گرفته‌اند.

انسان ایرانی نیز همچون این سرو کهن، آموخته که در برابر طوفان‌های شن، بادهای مخرب، سرما و گرمای سخت روزگار، نه تنها نشکند، سبز بماند و سر ببلند. او در طول تاریخ ثابت کرده که می‌تواند خود را از دل بحران‌ها بیرون بکشد و ایستادگی کند.

ما ایرانیان از معدود ملت‌های باستانی هستیم که توانسته‌ایم با وجود همه مصائب، هویت خود را حفظ کنیم. از میان بیش از دو بیست‌کشتوری که امروز در سازمان ملل عضو هستند، شاید تنها چند کشور مانند ایران، چین، هند، مصر و یونان باشند که ریشه در اعماق تاریخ دارند و همچنان پابرجا مانده‌اند. تمدن ما با همه فراز و نشیب‌ها، توانسته در برابر هجوم‌های خود را پس داده‌اند. اسکندر مقدونی، مغول‌ها و تیمور و حتی در جنگ جهانی دوم که قدرت‌های بزرگ به ایران تاختند، تاب بیاور و بماند.

آنچه می‌خواهم به آن برسیم این است که امروز درباره پایداری مردم ایران و توانایی آنها برای عبور از شرایط دشوار، ذره‌ای تردید ندارم. این مردم در طول هزاره‌ها امتحان خود را پس داده‌اند. در هشت سال دفاع مقدس نیز، جوانان این سرزمین در حالی که تمام دنیا از دشمن پشتیبانی می‌کردند، ایستادند. بله، خرمشهر و قصر شیرین رفت، اما همان جوانان دوباره خود را پیدا کردند و تمام سرزمین‌های از دست رفته را پس گرفتند. آنچه امروز به کمک ما می‌آید و می‌تواند پشتوانه این ملت باشد، خود ایران است. مفهوم ایران، فرهنگ ایرانی، تاریخ این سرزمین و کلیتی به نام

خرد ایرانی؛ بنیان مقاومت ملی

ابذکریمی
استاد دانشگاه

ملت ایران یکی از کهن‌ترین و تمدن‌ترین تمدن‌های تاریخ بشر بوده است. این ملت دارای یک سنت بزرگ فکری، دینی و معنوی است. آنچه من آن را لوگوس یا خرد ایرانی می‌خوانم، خردی است که با اسلام آغاز نشده زیرا حتی اسلام هم وقتی وارد این حوزه فرهنگی شد رنگ و بوی خاص معنویت ایرانی را گرفت. ایران یگانه سرزمین شیعیه جهان است. این سنت نظری و تاریخی یعنی همان چیزی که ما ایرانی‌ها را «ما» می‌کند و ما را از دیگر اقوام مثل یونانی‌ها، چینی‌ها، ژاپنی‌ها، کره‌ای‌ها، هندی‌ها و آفریقایی‌ها می‌داند. این روحیه شیعیه که ما را از دیگر اقوام آمریکایی لاتین و دیگر اقوام جدایی‌گرفته از خردی است که خود را در شعر و ادب فارسی، اشعار مولانا و حافظ، اشعار سنایی و عطار، و در فلسفه فارابی، در حکمت اشراقی، شیخ شهاب‌الدین سهروردی و در اندیشه‌های ملاصدرا خودش را نشان می‌دهد. خردی است که خودش را در نوروز، زیارت عاشورا و اسطوره‌هایی مثل سیاوش، حسین بن علی (ع) و دیگر سرمایه‌های بزرگ فرهنگ ایرانی - دینی، در جای‌جای این فرهنگ، در معماری، موسیقی، هنر خطاطی و تذهیبش، در مسجد شیخ لطف‌الله، در چهار باغ اصفهان، در خانه جعفری‌ها و طباطبایی‌ها، در کاشان و قزوین و در آواز شجریان و شهابت سردار سلیمانی، حاجی زاده‌ها، همت‌ها، باقری‌ها و در شعر هوشنگ ابتهاج‌ها، شفیهی کدکنی‌ها و در قلم سحرآمیز شرعیتی و بسیاری از عناصر دیگر نشان می‌دهد.

این خرد، حافظ ماست. به میزانی که ما حافظ این خردیم، این خرد حافظ ما است. این خاکی است که ریشه‌های ما در آن است. علی‌رغم اینکه شاخه‌ها و میوه‌های ما رازند و حتی تنه‌ها مان را

کوشیدند بسوزانند اما ریشه‌های ما در این لوگوس و خرد جای دارد و از آن سیراب می‌شود. این خرد و این حکمت، حافظ ماست و در بزنگاه‌های تاریخی به ما کمک می‌کند که جهت‌گیری درست را تشخیص بدهیم. من اثر می‌کنم آن بخش اصیل جامعه که با این خرد نسبت دارد امروز حافظ این کشور است؛ هم در عرصه‌های مقاومت و دفاع نظامی و هم در عرصه خیابان. در واقع این مقاومت در خرد و لوگوس و فرهنگ ایرانی ریشه دارد. اینکه می‌گویم فرهنگ ایرانی، این در برابر امر دینی نیست. زیرا خرد ایرانی و فرهنگ دینی دو امر جدا از یکدیگر نیستند. خرد ایرانی همیشه بر خرد دینی و معنوی است. امروز همین خرد است که در می‌یابد ایران را در خطر است. ایران فقط یک سرزمین جغرافیایی نیست؛ ایران خانه ما و ما و ما و ما؛ ایران سرزمینی است که ما در آن می‌توانیم زیست انسانی داشته باشیم و این شیوه زیست ما و هویت تاریخی و فرهنگ و تمدن ما و تمامیت ارضی ما در خطر است؛ این جنگ یک جنگ موجودیتی است و این خرد به ما می‌کند که ما نمی‌توانیم نسبت به موجودیت، خانه و گاشانه و نسبت به فرهنگمان بی‌تفاوت باشیم. این خرد به ما حکم می‌کند که تا آخرین قطره خون از این میراث، از این فرهنگ و از این کشور و از استقلال و کرامت انسانی مان دفاع کنیم. ما نمی‌توانیم به بردگی تن بدهیم. نظام جهانی نظام بردگی است و بخش بزرگی از ملت ما خودآگاه است که دشمنان آمده‌اند تا نظام بردگی ما تحمیل کنند و ما امروز در برابر بردگی ایستاده‌ایم. بخش بزرگی از مردم ما به یک خودآگاهی عمیق تاریخی رسیده‌اند که ایران دارد به آزوری دیرینه خودش بعد از یک قرن می‌رسد. دارد خودش را بازیابی می‌کند و می‌خواهد به بازتعریف خودش در جهان کنونی بپردازد و نمی‌خواهد به عنوان یک کشور استعماری که غربی‌ها سرنوشتش را تعیین می‌کنند شناخته شود. این ملت ایستاده تا شان و جایگاه انسانی خودش را در جهان اثبات کند.

ریشه‌های تاریخی و فرهنگی مقاومت در ایران

علی شریعتی
استاد جامعه‌شناسی

وقتی یک کشور قدمت تاریخی و تجربه رویارویی با انواع تجاوزها، حملات و جنگ‌ها را طی یک دوره ۳۰۰۰ ساله پشت سر خود دارد، طبیعتاً از نظر فرهنگی با کشورهایی که چنین تجربه‌ای ندارند، متفاوت است. به نظر من، در گام اول، مقوله مقاومت و ایستادگی ایرانی‌ها به عنصر تاریخی و عنصر فرهنگی ناشی از آن تاریخ بازمی‌گردد. وقتی فرهنگ و تاریخ مورد بررسی قرار می‌گیرد، مباحث تمدنی نیز در کنار آن معنا و مفهوم پیدا می‌کند؛ یعنی تعریفی که یک جامعه از تمدن و فرهنگ دارد، بسیار تحت تأثیر تاریخ طولانی مدتی است که این کشور را تا به امروز پیش آورده و تجربه زیسته مردم. به عبارت ساده‌تر، بخش اصلی و هسته مرکزی مقاومت و ایستادگی قاطبه مردم و جامعه ایران، جنبه فرهنگی و تاریخی آن است.

در کنار این، جنبه مذهبی نیز برای گروه‌هایی که اعتقادات مذهبی قوی دارند، الهام‌بخش است؛ به‌ویژه در مذهب شیعه که مفاهیمی چون تاسوعا، عاشورا و مقوله کربلا را در تاریخ خود دارد. اما در مورد ترس از تجزیه؛ اگرچه برخی ممکن است به دنبال این مسأله باشند اما همه مطالعات مستقل نشان می‌دهد که مثلاً در کردستان که ترس از تجزیه در آنجا بیشتر است، امکان تجزیه تقریباً وجود ندارد و اقبال عمومی برای این مسأله وجود ندارد. بنابراین، اگر بخواهیم به یک نتیجه‌گیری ساده برسیم، باید عرض کنم که آنچه امروز شاهد آن هستیم و در جنگ هشت ساله نیز تجربه کردیم، بیشتر در مورد مقاومت و ایستادگی مردم است که بخش زیادی از آن به ایران دوستی و نمادهای آن بازمی‌گردد.

نظام حکمرانی نیز این موضوع را متوجه شده است و دریافته است که برای حفظ تمامیت ارضی کشور و همراه کردن مردم، باید روی نمادهای ملی سرمایه‌گذاری بیشتری کند برخی این ذهنیت را دارند که برخی رخداد‌های مذهبی با نمادهای ملی در تضاد هستند، در حالی که این طور نیست. واقعیت امر این است که وقتی از نمادهای ملی صحبت می‌کنیم، بسیاری از چیزهایی که مختص جامعه ایران است و جنبه مذهبی دارد و از اینجا به کشورهای دیگر رفته (مانند عراق، بحرین، لبنان و ایتالیا)، جزو نمادهای ملی ما محسوب می‌شوند؛ در کنار نمادهای ملی پیش از اسلام و اسطوره‌های ما مانند شاهنامه و امثال اینها. همه اینها می‌تواند به ما کمک کند تا وحدت و انسجام را در کشورمان حفظ کنیم و مقاومت و ایستادگی در مقابل تجاوز را بهتر تجربه کنیم. شما امروز در لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، در زمینه مباحث ملی گرایانه، تقریباً از همان نمادهایی استفاده می‌کنید که در خراسان شمالی، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، مناطق دوردست، استان گلستان یا سیستان و بلوچستان استفاده می‌شود. این نشان می‌دهد که فلات ایران که بزرگ‌تر از مرزهای سیاسی امروز ایران است، ماندگاری فرهنگ، تجربه زیسته ایستادگی در برابر دشمنان را دارد و این امر بسیار عمیق و گره‌خورده با نمادهای ملی است.

تقویت امید به آینده

مهرداد عیبراهیمی
دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

در خصوص مقاومت و صبر جامعه ایرانی در برابر تهاجم نظامی به ایران؛ امری که شاید کمتر به آن توجه شده است، ایجاد چشم اندازی برای زندگی بهتر در آینده پس از جنگ است. پیام‌ها و نشانه‌هایی که تولید آینده‌های مطلوب را به جامعه ایرانی منتقل کند.

لازمه انسجام ملی، تثبیت آرمانی است که بتواند حداکثر جامعه ایرانی را حول خود گرد آورد؛ آرمانی که چشم اندازی دل‌دار بر اراده محقق ساختن آرزوها و پرکردن فقدان‌هایی را که جامعه ایرانی تجربه کرده است، پیش روی بگذارد. اگرچه در اوضاع جنگی امر بقا و محافظت به ناچار در صدر مدیریت اجتماعی قرار می‌گیرد، ولی لایه‌های دیگر مدیریت اجتماعی همچنان می‌تواند به مقتضای جایگاهشان تصویری از اراده معطوف به ثبات و رفاه و شمول‌گرایی را ارائه دهند. کما اینکه هم اکنون نیز این بخش‌ها در اداره زنجیره تدارک کالا و خدمات برای همه مردم کشور، علی‌رغم وضعیت اضطراری، بدون تمایز تبعیض فعالیت‌ها دارند. لذا احتراز اقدامات و پیام‌هایی که خطر قطعی شدن اجتماع را تشدید می‌کنند و مبادرت‌های اقداماتی در جهت تثبیت و تضمین آینده‌ای امیدبخش، می‌تواند سرلوحه همه کنشگران و مسئولان باشد برای تقویت امید به آینده.